

# درباره مشخصات و پی‌آمدهای جنبش معلمان

## تقی روزبه

وقوع اعتراضات گسترده معلمان، یا به عبارت دقیق‌تر جنبش معلمان، از زوایای گوناگون حاوی نکات و ملاحظات بسیار مهم و بدیعی است که بعضاً حتی می‌تواند حامل رگه‌های غنی‌تری باشد برای یافتن پاسخ به سوالات انباشته شده مربوط به چگونگی فرایافت جنبش توده‌ای از معضلات ساختاری کنونی خود. در این جا نگاهی داریم به پاره‌ای از مشخصات جنبش معلمان:

۱- به حرکت درآمدن آن چه که حتی روزنامه‌های رژیم ناچار شده‌اند از آن به عنوان یک جنبش صنفی-سیاسی و یک چالش بزرگ سخن گویند و در مورد پی‌آمدهای آن هشدار دهند، گویای به پایان رسیدن قطعی دوران خوشی است برای بالائی‌ها که در آن غالباً ( و نه البته مطلقاً) خواست‌ها و مطالبات با وساطت دستگاه‌ها و نهادها و تشکل‌ها و یا موسسات دولتی و شبه دولتی و رونامه‌ها و یا از طریق انتخابات و... مطرح می‌شده است. این که به عنوان شریک حاکمیت، هم ابزارهای کلانی چون قوه مقننه و مجریه را به دست داشته باشند و هم برای توجیه "بی‌کفایتی" خود ادای اپوزیسیون را درآورند و یا تمامی نهادهای "غیرانتخابی" را تصاحب کنند و حریف خود را مسبب بوجود آمدن همه مشکلات و ناکامی‌ها قلمداد کنند، اینک بیک‌سان، جادو و فریبندگی خود را از دست داده است. حالا دیگر این جادو به گذشته تعلق دارد. دو شعار "آخوند خدائی می‌کند مردم گدائی می‌کند، مجلس بی‌لیاقت، تسلیت تسلیت" بیک سان کل حکومت را مخاطب قرار می‌دهد و در همان حال شعار مکمل این دو، "معلم به پاخیز وقت عمل فرا رسیده است"، در شکل یک حرکت خودجوش و خودپوی ده‌ها هزار نفری، حضور غافل‌گیرانه خود را به نمایش می‌گذارد. به حرکت درآمدن بخشی از نیروی میلیونی معلمان-که هنوز بخش کوچکی از نیرو و ظرفیت واقعی خود را به نمایش گذاشته است، و تجزیه و تحلیل نحوه شروع و ادامه اعتراضات و شعارها و مطالبات مطرح شده، هم از نظر کمی ( انباشت مطالبات) و هم کیفی ( گره خوردگی با مطالبات کلان و لاجرم ضرورت تغییرات بزرگ )، همان گونه که اشاره شد، بیان گر آن است که مردم و زحمتکشان کشورمان، در مسیری قرار گرفته‌اند که دیگر آهنگ حرکت خود را نه با خواست و ریتم بالائی‌ها، بلکه مستقیماً از طریق زبان و مارش خود بیان می‌دارند. دولت مدعی پاسخ گو، برای نخستین بار خود را در برابر جنبش بالقوه میلیونی و نیرومندی غافل‌گیر یافته است. آری در چندروز گذشته حادثه‌ای مهم در کشور ما رخ داد. جنبشی با مطالبات و سیمای کمابیش مشخص، با ظرفیت بالای خودگسترانی- هم در صفوف همبسته خود و هم در سطح مطالبات- اعلام موجودیت کرد.

۲- فوران خواست‌ها و مطالبات انباشته شده -که هنوز در مراحل اولیه تکوین خویش قرار دارد- نشان از آن دارد که شالوده حرکت معلمان-به عنوان بخش مهمی از طبقه گسترده و پرشمار مزد و حقوق‌بگیران جامعه- در این یا آن خواست کوچک -که البته همگی در جای خود مهم هستند و شایسته مبارزه برای دست‌یابی- نیست بلکه بسیار فراتر از آن است که نظام کنونی ظرفیت پاسخ‌گویی به آن را داشته باشد. زیر فشار قرارگرفتن مجلس و دولت، توسط یک جنبش خودجوش، در سطح کلان بودجه‌بندی ( که این در جامعه ما در نوع خود بدیع است) تنها گوشه‌ای از ابعاد خواست این جنبش را بیان می‌دارد. نگاهی به یکی از پلاکاردهای در دست معلمان-که در آن می‌گوید "وزیر محترم تعاون ۲۲ سال است که فروشگاه فرهنگیان به یغما رفته است..". گویای انباشت نفرت ۲۲ساله اینان از نظام

جمهوری اسلامی -مستقل از این یا آن جناح- است. و همین مساله گواهی بزرگی است بر عمق و اصالت این جنبش نسبت به ادعاها و تلاش های هرکدام از جناح ها در این رابطه.

۳- تاکتیک ها و شیوه های مورد استفاده جنبش خودپوی معلمان نیز به نوبه خود در برگیرنده نکات درخشانی است که در زیر به پاره ای از آن ها اشاره می شود:

\*- بهره گیری از تشکل های قانونی برای به حرکت درآمدن و فراتر رفتن از آن ها موجب خلق پدیده بدیعی شده است که در انطباق با مختصات عمومی مرحله گذاری است که جنبش عمومی در آن بسر می برد. اگر توجه داشته باشیم که کل جنبشی که دو روز پیش فضای سیاسی تهران را تحت الشعاع خود قرار داد و بسیار بیش تر از آن چه که تصور می رفت همه را غافل گیر کرد، پیشاپیش غیر قانونی اعلام شده بود، آن گاه به اهمیت عنصر نافرمانی مدنی در شکل گیری این حرکت پی خواهیم برد.

\*-ترکیب تحصن و تظاهرات خیابانی ، برای مطرح ساختن خواست ها و شکستن دیوارسانسور و ایجاد میدان مانور سیاسی و جلب حمایت دیگر اقدار مردم، از نکات بدیع دیگر تاکتیک جنبش معلمان است. همان عاملی که مبادرت به آن کروی را ناچار ساخت که به خواست ملاقات با نمایندگان معلمان تن بدهد و سرانجام نیز علی رغم تمامی تلاش های دست اندرکاران و هشدارهای بازدارنده مقامات تأمینی و نیز اقدامات بازدارنده نیروهای انتظامی در خیابان ها جاری گردید.

\*-ریز کردن و به اصطلاح زمینی و ملموس نمودن شعارها، که درنوع خود از شفافیت بالائی برخوردار است، و به کاربردن ابتکاراتی چون تهیه آفیش و پلاکارد از قبض های حقوقی حقیرانه معلمان، به کارگیری همه این ها به هم راه انبوهی از شعارهای افشاگرانه و برخا شعارهای گزنده و طنز آمیز، گوشه دیگری از ظرفیت تاکتیکی این جنبش را به نمایش گذاشت.

\*- اعلام پیشاپیش زمان و شکل حرکت بعدی درحین اعتراضات کنونی، و سازماندهی اعتراضات براساس ادامه کاری آن- که غالباً فقدان آن یکی از نقیصه های مهم اعتراضات اجتماعی دیگر لایه های زحمتکش را تشکیل می داده است- از نکات بارز دیگر این اعتراضات است.

۴-هم آهنگ سازی حرکات و تحصن های معلمان دربرخی از نقاط دیگر کشور، نظیر اصفهان، بویر احمد، زنجان، ملایر، خرم آباد، کرمانشاه، و.... و صدور اطلاعیه های حمایتی، شرکت و حضور معلمان شماری از شهرهای دیگر در تحصن و راه پیمائی بزرگ معلمان تهران، جملگی نشان از ظرفیت حرکت و تشکل یابی سراسری جنبش معلمان و نیز آگاهی معلمان به این ظرفیت خویش است.

با این وجود باید اضافه کرد که دسته بندی خواست ها و قرار دادن هرکدام در جای خود و تفکیک مطالبات بنیادی از مطالبات دارای اهمیت کمتر از یک سو و شفاف سازی مطالبات سیاسی و آن چه که تحت عنوان تغییرات و یا اصلاحات در دستگاه آموزشی خوانده می شود(وبی گمان مبارزه بی امان با نهادهای تربیتی-جاسوسی در تمامی سطوح دستگاه های آموزش و پرورش و حاکمیت دین و مذهب بر آموزش در رأس آن ها قرار دارد)، فشرده ساختن صفوف تمامی فرهنگیان دارای منافع و هدف های مشترک، چه کارمندی و چه آموزشی، درجای خود از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۵-حضور نمادین دانش آموزان در تجمعات و تظاهرات اخیر، باتوجه به آن که هم وارد تعطیل کردن مدارس و کشاندن دانش آموزان به صحنه تظاهرات، یکی از شعارهای معلمان را تشکیل می دهد، حاوی پیام مهمی بود. و این را نیز باید اضافه کرد که اقدام به چنین آکسیون های مهمی از سوی معلمان خود درعمل معنائی جز تعطیل کردن غیر

رسمی مدارس- البته در سطح معینی- ندارد. به هرحال پدیده پیوند جنبش معلمان با جنبش دانش آموزان ( و جوانان)، دارای زمینه های واقعی و عینی بوده و نباید آن را صرفاً یک شعار صرف و تجریدی تلقی کرد.

۶- مطرح شدن شعار معلم معلم اتحاد اتحاد، معلم دانشجو اتحاد، معلم کارگر اتحاد، نیز به خوبی ضرورت پیوند این بازوی جنبش زحمتکشی را با سایر لایه های جنبش زحمتکشان و کارگران نشان می دهد. اقدام به یک حرکت نمادین بزرگ، یعنی حرکت به سمت دانشگاه تهران و دادن شعار معلم دانشجو اتحاد اتحاد، در برابر درهای بسته دانشگاه- که حتماً جنبش دانشجویی در حال فترت و بی تحرک کنونی را باید غافل گیر و حتی تاحدودی شرمسار ساخته باشد- به خوبی خصلت خود پو و خودگستری این جنبش و وقوف به نقش خود به عنوان- حداقل بخشی از نیروی اتصال دهنده برخی حلقه های جنبش های اجتماعی را - به نمایش می گذارد. حتی که اگر در این جا نخواهیم از ظرفیت های بالقوه هژمونیک این نیروی اجتماعی سخن به میان آوریم.

در همین جا باید اضافه کنیم- و این البته جای بسی خوشحالی است- که در جامعه معاصر ما، شاید برای نخستین بار باشد که یک قشر اجتماعی گسترده ای هم چون معلمان به ایفای نقش پیش روی پرداخته و دانشجویان را مخاطب قرار می دهند. بی تردید بیداری معلمان و انتقال این بیداری به داخل جامعه، از طریق برپائی یک جنبش بالقوه میلیونی، تأثیرات مهمی در ترمیم آن چه که بحران پراکندگی و فقدان حلقه های اتصال بخش های مختلف جنبش مردم بایک دیگر نامیده می شود، بجا خواهد گذاشت.

۷- بدیهی است که جناح های حکومتی، هرکدام تلاش بسیاری را به کار گرفته و می گیرند تا ضمن کنترل جنبش معلمان- مثل هرجبش دیگری- از آن به سود اهداف خویش و علیه حریف خود بهره گیرند. و در همین رابطه شاهد بودیم که به ویژه جناح اصلاح طلب رژیم تلاش وسیعی را چه بصورت آشکار- اعم از قانونی و پلیسی و تأمینی و چه در پشت پرده - برای متوقف کردن حرکت معلمان به کار گرفت. با این وجود علی رغم اعلام غیرقانونی اعلام کردن آن توسط مقامات دولتی، و اعلام عدم شرکت تشکل های وابسته به خود، حرکت اعتراضی دیروز با ابعاد به مراتب بزرگتری نسبت به چند هفته گذشته شکل گرفت و نشان داد که دامنه نفوذ اصلاح طلبان در این جنبش تاچه حد است. از سوی دیگر تمامی قرائن موجود نشان دهنده آن ست که نفوذ جناح تمامیت خواه در این جنبش به مراتب از جناح دیگر نیز کمتر است. تا جائی که روزنامه جمهوری اسلامی در شماره دیروز خود از خطر نفوذ معاندین و نفوذی های خارج از نظام سخن به میان آورده و به سردمدران رژیم در این رابطه هشدار داده است و روزنامه کیهان نیز صلاح دیده است که گزارش حرکت معلمان را کاملاً نادیده گرفته و آنرا کوچک تر از آن چه بود، در لابلای صفحات دیگر خود بگنجاند. آن ها به سرعت به خصلت خودجوش و غیرقابل کنترل این جنبش پی برده و از نوع شعارها و جهت گیری جنبش معلمان نگران شدند. چرا که به نمایش درآمدن پلاکارد فیش حقوقی، شعار بیت المال حیاکن رفسنجانی را رهاکن و یا شعارهایی که علیه صدا و سیمای لاریجانی و آقازاده و آقای آقازاده ها و ..... داده می شود، جائی برای خوش خیالی این سوداگران ممتاز و جاخوش کرده در هرم نظام جمهوری اسلامی باقی نمی گذارد.

۸- آن چه که دیروز قرار بود به عنوان جلوه بزرگ هم بستگی معلمان و کارگران اتفاق بیفتد، ولی به دلیل "توطئه یک طرف و تسلیم طرف دیگر" ( دستگاه خانه کارگر) از وقوعش ممانعت به عمل آمد، به شکل دیگری اتفاق افتاد:

شورای تأمین شهر تهران، صادرکنندگان فراخوان شرکت کارگران در تحصن معلمان را احضار و بازداشت نمود و تنها بعد از پس گرفته گرفته شدن فراخوان مزبور توسط دست اندرکاران خانه کارگر بود که آنان را آزاد کرد!

اما اقدام مزبور هم نتوانست از حضور کارگران کارخانه ها- که هنوز

از کم و کیف آن اطلاع دقیقی در دست نیست- در حرکت بزرگ معلمان ممانعت به عمل آورد.

بی تردید جنبش کارگری تنها با بیرون کشیدن کامل خود از نفوذ تشکلهای دولتی و شبه دولتی، که وظیفه‌ای جز کنترل مبارزات کارگران ندارند، قادر خواهد بود که به وظیفه خطیر خویش در تقویت صفوف زحمتکشان همت بگمارد.

\*\*\*\*\*

### دو نتیجه گیری مهم :

۱- حاکمیت استبداد دینی (آنهم از نوع ولایت فقیه آن) بر کشور ما در وهله نخست بیشترین حضور تاریک‌اندیشانه و خودکامانه خویش را در عرصه فرهنگی و آموزشی نشان می‌دهد. سقوط سطح زندگی و فلاکت اقتصادی، سطح زندگی معلمان را به‌زیز خط فقر رانده و همین مسأله موجب پیدائی پدیده دو شغلی (معلمی-باقتلا فروشی. معلمی-رانندگی) شده است، و در واقع از برکت نظام استبداد مذهبی حاکم، پدیده خاصی بنام نیروی کار دوخصلتی (فکری-یدی و یا هر اصطلاح دیگری که بتواند این دوجانبگی را بیان دارد) آفریده است و شاید همین مقوله، گشاینده راز ترکیب توأمان خشم و آگاهی مترکم شده در این قشر زحمتکش باشد. علاوه بر این، قشر گسترده معلمان به دلیل مشخصات ساختاری محل فعالیت خود (مدارس، قرار داشتن در برابر کارفرمائی بنام دولت و نیز سایر عواملی که خارج از حوصله این نوشته است) دارای ظرفیت بالای خود تشکلیابی و خودگسترانی است و حاوی زمینه‌های مستعد برای پروراندن افق‌های کلان و تدارک بیداری بزرگ.

۲- جامعه معلمان به دلیل جایگاه شغلی-طبقه‌ای خویش در مرکز تلاقی سه عامل استراتژیک یعنی بخشی مهمی از نیروی گسترده مزد و حقوق بگیران، دانش‌آموزان (واز این طریق جوانان و خانواده‌ها) و بالاخره درگیر دار مبارزه روزمره با تاریک‌اندیشی و حاکمیت مذهب قرار دارند. و به همین دلیل نفس به حرکت درآمدن آن، در تقویت روند همگرایی و پیوند سه عامل فوق دارای اهمیت است.

با این وجود باید اضافه کرد که راه هم وار نیست. به ویژه پس از به حرکت در آمدن این جنبش و برطرف شدن غافل‌گیری اولیه، حاکمیت تلاش گسترده و وسیعی را، به اشکال بسیار گوناگون، برای به زانو در آوردن و ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف آنان به عمل خواهد آورد. گسترش کارزار حمایت از آنان چه در داخل از سوی سایر نیروها و لایه اجتماعی زحمتکش و یا روشنفکران و چه در خارج از کشور توسط اپوزیسیون و به ویژه مدعیان حامی زحمتکشان و کارگران، بی تردید بر ناکامی‌های حاکمیت در بزانو در آوردن آن خواهد افزود.